

## کوچه ....

کوچه خالی از نوای شر و شور  
کوچه خالی از هوای زندگی  
کوچه لب بسته ، خموش و سرد  
یخ بسته در رگش ، افسردگی  
\*\*\*

رنگ باخته کوچه از آن بازیها  
از غریو کودکان در نیمه روز  
کوچه خلوت از عبور آشنا  
چشم بسته بر در بسته هنوز  
\*\*\*

بسته است پنجره های شاد عشق  
کوچه مانده در پناه درد خویش  
نه درخت و نه گنجشک های مست  
نی نفس گرم عشق پر تپش  
\*\*\*

گشته ویران چهره کوچه ز جنگ  
رفته از کوچه صلح ، تا دورها  
نی طراوت ، نی پرنده ، نی گلی  
کوچه تاریک ، پُر زرد ، چون کورها  
\*\*\*

آفتاب کوچه را دزدیده کس؟!؟  
کوچه در ظلمت شبگون مانده است  
از پس دیوار واژگون گشته ای  
مرثیه را کی برایش خوانده است ؟  
\*\*\*

کوچه گشته گور سرد خاکریز  
گور عشق و پیکر صد ها شهید  
واه ، چه بسا آرزو که خاک شد  
خاک شد ، در دل کوچه ، ناپدید  
\*\*\*

کو ، چه شد آن چشم غزالان ، دختران  
گم شدند از بروبام ، گاهگلی  
دل کوچه ، بهر آن راز و نیاز  
گریه دارد ، بهر جوانای کاکلی  
\*\*\*

زان همه عشاق و یاد و بود شان  
مانده نامی بر رخ دروازه ها  
کوچه خواند نام ها را با دریغ !  
با وداع ، پُردرد ، با اندازه ها

\*\*\*

یاد می آید گهی زان کوچه ها  
پُر ز آفتاب ، کوچه های پُر صدا  
گل میریخت بر کوچه ، لبخند و سلام  
بهر ( ناتور ) لب و دست آشنا